

نقش های دستوری:

نقش های اصلی: نهاد، مفعول، مسند، متمم، منادا

نقش های فرعی: قید، صفت، مضاف الیه

نهاد: برای پیدا کردن نهاد به فعل مراجعه می کنیم و انجام دهنده فعل را نهاد می نامیم.

توجه داشته باشید که شناسه در فعل ها نهاد را می شناساند

شناسه: بخشی از فعل است که در آخر فعل می آید {انجام دهنده} فعل را می شناساند.

مثال: عاشقان کشتاکن معشوق اند. عاشقان : نهاد

مثال: باید حد زند هشیار مردم مست را هوشیار مردم : نهاد

در برخی مواقع نهاد به قرینه شناسه فعل حذف به قرینه لفظی می شود تا تو راهبر نباشی تویک راهبر شوی؟ ما آن کس را که در این ملک سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است نکته: اگر در صورت سوال از شما ساختار جمله خواستند ممکن است نهاد به قرینه محذوف باشد؛ این موضوع

تاثیری در ساختار جمله ندارد

جمله ساختار جمله یک دم غریق بحر خدا شو نهاد + مسند + فعل
همت از باد سحر می طلبم نهاد + متمم + مفعول + فعل

مفعول: گروه اسمی که در جواب چه کسی را؟ یا چه چیزی را؟

مثال: با شیر سپهر بسته پیمان چه چیزی را بسته؟ پیمان : می آید

مفعول مثال: خامش منشین سخن همی گوی چه چی زی را بگوی؟
سخن : مفعول مثال: صد تیغ جفا بر سر و تن دید بیک چوب چه
چیزی را دید؟ صد تیغ جفا : مفعول مثال: سینه خواهم شرحه
شرحه از فراق چه چیزی را می خواهم؟ سینه : مفعول مثال: هر
که ای ن آتش ندارد نیست باد چه چیزی را ندارد؟ این آتش :
مفعول

مثال: هرکس وصف او ز من پرسد چه چیزی را پرسد؟ وصف او
: مفعول

نکته: پس از فعل های ی که از مصدر های ی مثل گفتن ، شنیدن
دانستن و... جمله نقش مفعولی دارد

مثال: گفت نزدیک است والی را سرای نزدیک است والی را
سرای مفعول فعل گفت است

مسند: حالتی است که به نام نهاد، متمم و مفعول سند می خورد
مسندی که به نام نهاد سند می خورد را از طریق فعل اسنادی پیدا
فعل های اسنادی: است، بود، شد، گشت، گردید، باشد، باد و . می کنیم
صورت منفی آنها

مثال: مسجد خوابگاه مردم بذاکر . مثال: همه عشقی محبت باشد
مثال: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست

نکته: فعل نیامد از مصدر آمدن در مصراع زیر معنای نبود میدهد
و اسنادی است.

نیامد پیش پرسیدن صوابش

مسندی که به نام متمم سند می خورد
این ساختار فقط با فعلی که از مصدر گفتن ساخته شده باشد می آید
مثال: مردم به او قهرمان می گفتند

مسندی که به نام مفعول سند می خورد
این ساختار در دو دسته از افعال وجود دارد
اول: فعل هایی که از مصدر های گرداندن، کردن، نمودن و ساختن
ساخته می شود

دوم: فعل هایی که از مصدر های پنداشتن، اناگشتن، خواندن، دیدن
و.....

نتیجه گیری: سه ساختار مهم در بحث مسند وجود دارد

1_ نهاد + مسند + فعل از طریق فعل های اسنادی به این ساختار
میرسیم

2_ نهاد + متمم + مسند + فعل از طریق فعلی که از مصدر گفتن
به معنای لقب دادن باشد به این ساختار می رسیم

3_ نهاد + مفعول + مسند + فعل از طریق فعل هایی که معادل
باشد به این ساختار می رسیم make consider فارسی

تکنیک: برای پیدا کردن مسند از فرمول چه + فعل استفاده می
کنیم و مسند را به دست می آوریم

قبلا هم درباره فرمول به دست آوردن مفعول گفتیم که از فعل
میپرسیم

چه چیزی را؟ / چه کسی را؟

مثال: حق تعالی بنده ای را مستغرق خود گردانید

چه کسی را؟ بنده ای : مفعول چه گردانید؟ مستغرق خود : مسند

مثال: هر کسی که فکر جامعه را محترم نداشت. چه چیزی را؟
فکر جامعه: مفعول

چه نداشت؟ محترم : مسند

منادا: گروه اسمی که مخاطب قرار می گیرد

مثال: ای عزیز به خدا رسیدن فرض باشد. عزیز : منادا

در منادا حرف ندا ممکن است وجود داشته باشد

حرف ندا: ای، یا و پسوند

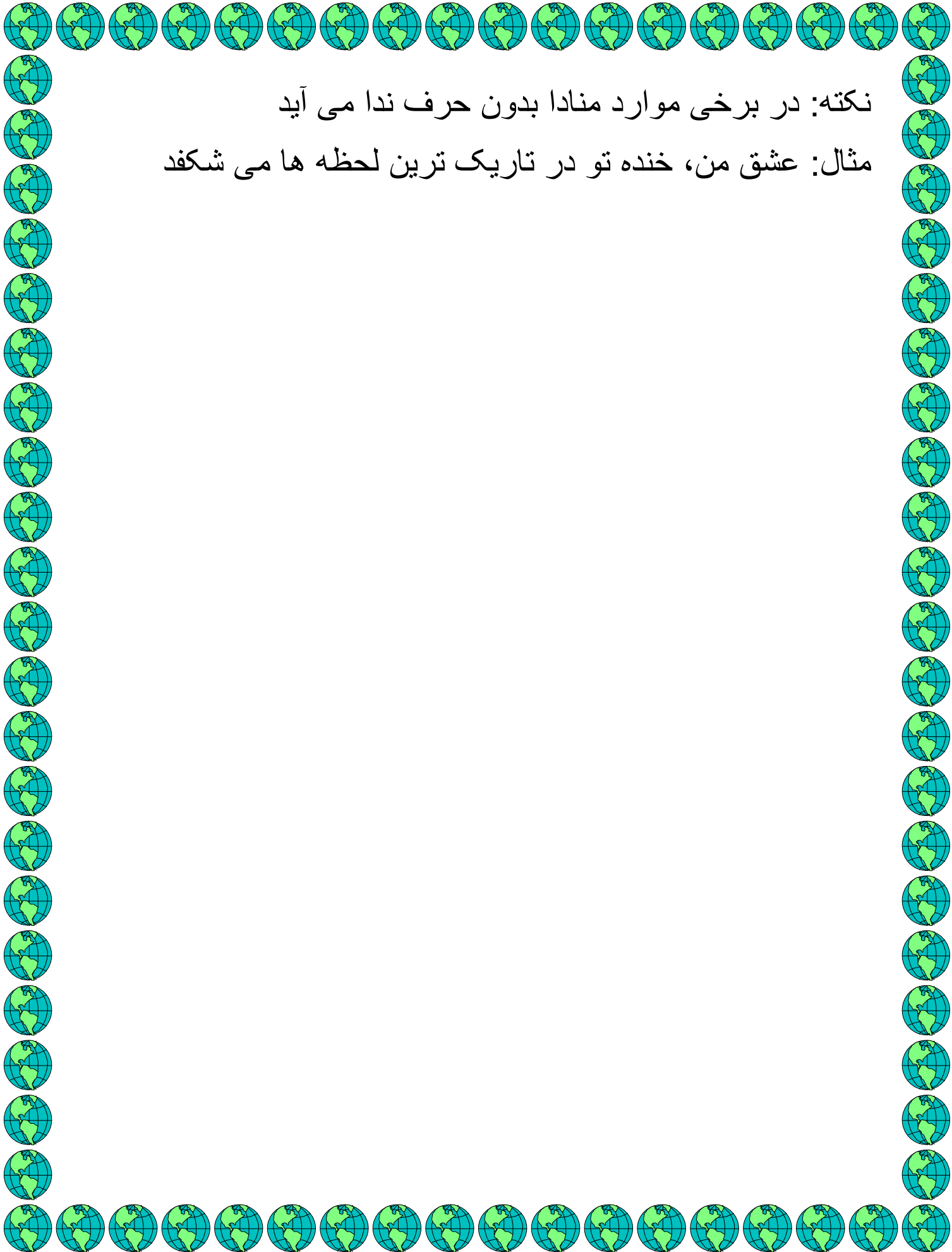
مثال: ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز

مثال: ملاک ذکر تو گویم

نکته: منادا خود یک شبه جمله به حساب می آید و در جمله شماری
یک جمله مستقل محسوب می شود

مثال: مست گفت ای دوست این پیراهن است افسار نیست

این جمله دارای ۴ جمله است و ای دوست یک جمله محسوب
می شود



نکته: در برخی موارد منادا بدون حرف ندا می آید
مثال: عشق من، خنده تو در تاریک ترین لحظه ها می شکفت